

مناجات - ای محبوب ابهی سپاس ترا که از بدو اشراق امر

حضرت شوقی افندی

نسخه اصل فارسی



مناجاة (۱۰) - مجموعه مناجات حضرت ولی امر الله، نشر سوم، آلمان
۱۵۷ بدیع، صفحه ۳۲

ای محبوب ابهی سپاس ترا که از بدو اشراق امر اعزّ اعلایت و تاسیس بنیان قوی الارکان مقدس نازنینت و صدور بشارت جان افزای جلوه نظم بدیع جهان آرایت این مشت ضعف را با وجود هطول امطار رزایا و بلایا و هبوب عواصف و قواصف لا تعدّ و لا تحصی و تتابع محن و مصائب از زجر و حبس و نهب و نفی و اسارت و سفک دماء و تسویلات و تعدیات و دسائس اولو البغضاء و مهاجمه عنیف ملوک و خلفا و علما و امراء در ظل جناحت مقر و ماوی بخشیدی و وحدت جامعه منادیان امر اعظمت را و سالکان سبیل اقومت را از انشقاق و انقسام و انشعاب محافظه فرمودی و لؤلؤ امر گرانبهایت را در صدف میثاق از سارقان و خائنان و اهریمنان صیانت نمودی و پرچم استقلال شریعت غرّا را بدست باسلان و مبارزان امرت در ممالک غربیه و اقالیم شمالیه و اقطار جنوبیه برافراشتی جالسین بر اریکه ظلم و اعتساف را بخاک مذلت بینداختی و صفوف ناقضین و ناکصین عهد بیثل و عدیلت را در دوره اولی و عهد ابهی و یوم میثاق و پس از افول کوکب پیمان از افق عالم امکان در هم شکستی و آثار بهیّه صادره از مخزن قلم اعلایت را بید ملائکه ناشرات بازید از پنجاه لغت شرقیه و غربیه در بین عالمیان منتشر ساختی و بنیاد لایتزعزع نظم اجل انعم اعلایت را در نود اقلیم در خاور و باختر استوار فرمودی و نمایندگان سی نژاد از نژادهای مختلفه جهان را در سلک مستظللین رایت بیضایت محشور نمودی و اعظم و اشرف دول قاهره ارض را و جمعی از اجلّه و دانشمندان باختر را بر تجلیل و تکریم و تشهیر مبادی و تعالیم امر نازنینت برانگیختی و باعتراف باصالت شریعت سمحاء و اقرار بر سمیت هیأت منتخبه جامعه پیروان امرت و نصرت مستضعفین عبادت در اقطار شرقیه بگماشتی و از قلم ملکه ای از ملکات در اقلیم فرنگ



ORIGINAL

خطابه‌های مهیجه متابعه در ستایش و نیایش تعالیم مقدسه و مبادی سامیه امرت بصرافت طبع و طیب خاطر صادر فرمودی نقاب از وجه شریعت غرّایت برانداختی و سرّ مکنون و رمز مصون را شهره آفاق نمودی کوس استقلال دین مبین را در اعلیٰ المقامات بدست دشمنان دیرین علمای رسوم بلند نمودی و بسمع قریب و بعید رساندی و مرکز خلافت عظمی خصم خصیم و عدو لدود شارع امرت را از اوج عزت بحضیض ذلت بینداختی مصداق وعود حتمیه کتّاب اقدس و قسطاس اعظمت را مستمراً مترادفاً متابعا ظاهر نمودی و قبله اهل بهاء را در قلب عالم ارض میعاد لانه انبیاء و اصفیاء در مرج عکّا و بقعه احدیه نورا جوار مدینه منوره بیضا مستقر فرمودی و اسّ اساس قصر مشید نظم اعظم حجر زاویه دیوان عدل الهی را در اشرف ممالک ارض در دامنه کرم مقدس الهی بید قدرت بنهادی ای قوی قدیر این نهال بی همال را که در مزرعه جهان باصابع اقتدار و اراده غالبه و مشیّت نافذه ات غرس نمودی و بحرارت محبّت بی منتهایت پرورش دادی و بدماء برئیّه بیست هزار نفس از شهیدان امرت سقایتم نمودی و از سیل بنیان کن محن و آفات گوناگون متجاوز از صد سال محافظه نمودی و اصلش را در ارض کبریا ثابت فرمودی و فرعش را در ما وراء البحار باقالیم شاسعه نائیّه در قطعات نهمه عالم رساندی از نشو و نما باز مدار و در ظلّ رعایت و صون حمایت خویش از صرصر امتحانات شدید و انقلابات آتیه و منازعات کونیه صیانت فرما و از فیض پر بار و شکوفه نما و از اشعه ساطعه تأیید اهتزازی جدید بخش و از اقتطاف ثمرات جنیهّ بهیهّ قدسیه ازلیّه منیعه بدیعه اش جهان و جهانیان را بمرور ایام بهره مند فرما و عود باقیه که در ام الکتاب بتلویح و تصریح بقلم اعلایت ثبت نمودی ظاهر نما حزب مظلوم را در موطن اصلیت از قیود و سلاسل صد ساله برهان دست تطاول ستمکار را کوتاه کن و قوم ظلوم و جهول را بعذاب ادهم انتقام کبیر اکبرت معذب فرما غیوم کثیفه از افق آن اقلیم پر ابتلا متلاشی کن و هیاهو و عربده جهلاء و بلهلاء و سفهلاء را تسکین ده اهل فتور را عبرة للناظرین نما و عصبه مقلدین و سالکین منهج سقیم را بشاهراه هدایت کبری دلالت نما گمگشتگان وادی شهوات را در این بحران عظیم بحلل تقدیس و تنزیه مزین کن و فئه مستکبرین و خادعین و منحرفین و منفضلین از جامعه پیروان امرت را تقلیب نما و بتلافی مافات موفق دار دول و ملل عالم را که در هیماء ضلالت هائم و در تولید نفاق و کشتن بذر شقاق مداوم و در تسعیر نار حرب و قتال ساعی و جاهد هدایت فرما و از این سبات عمیق و کلبوس ثقیل نجات ده و از خطر محدد که سقوط و هبوط باسفل درکات است محافظه فرما من علی الارض را کما وعدتنا فی زبرک و الواحک از ادیان مختلفه و مذاهب متفرقه و اوطان متباغضه و اجناس متنوعه و طبقات متضاده و احزاب متنافره در ظل سرپرده اصلیه حقیقه مجتمع فرما و برفع ارکان صرح مشید رفیع المناء محکمه کبرایت بگجار سلطنت الهیه و غلبه ظاهره و سلطه قاهره و سیطره محیطه اسم اعظمت را بر مدعیان کالشمس فی رابعة النهار ظاهر و آشکار فرما و وحدت سیاسی و دینی و نژادی و اقتصادی و اجتماعی نوع بشر را که از علامات بلوغ عالم و از اعظم بشارات مصرّحه در صحف الهیه نازل در ادوار سابقه و محور تعالیم مقدسه در این یوم عظیم است و اشرف ثمره عصر ذهبی دوره اولای کور بهائی محسوب و مقدمه تاسیس مدنیّت لا شرقیه و لا غربیه الهیه است در انجمن بنی آدم بر اساس متین و رزین تاسیس کن تا عالم پر شور و آشوب باسایش حقیقی فائز گردد و قلوب از قید هموم و غموم برهد و

از محنت عظمی و بلیه کبری نجات یابد و عالم ناسوت به نیروی اسم اعظمت که در حق کائنات و هویت
ممکنات جاری و ساری جلوه گاه ملاء اعلی و آئینه عالم بالا و قطعه ای از فردوس ابهی گردد توئی مغیث و
توئی مجیر و توئی شنونده و بینا و مقتدر و توانا .

بنده آستانش شوقی